

افول دریای کاسپین

به بهانه روز ملی دریای خزر



حمید علیزاده تک‌لاهیجانی *

در حوضه پیرامونی دریای خزر از چند هزار سال پیش ملل مختلفی سکونت گزیدند که برخی از بین رفتند یا مهاجرت کردند اما نام خود را بر دریای خزر در طول تاریخ ثبت کردند.امیراتوری خزرها (از اقوام آلتای) در شمال این دریا اگرچه دیری نیاپید و از سده سیزدهم میلادی نامی از آنها در تاریخ نیامده است، اما نام آنها بر دریای خزر باقی ماند و در ایران همچنان به‌طور گسترده استفاده می‌شود. پیش از ۳۰ نام برای دریای خزر در گذشته استفاده شده که بیشتر برگرفته از نام شهرهای پیرامونی یا اقوام اطراف دریای خزر است. برخی از نام‌ها عبارت‌اند از دریای قزوین، دریای گیلان، دریای دیلم، دریای طبرستان، دریای مازندران، دریای گرگان و دریای باکو.

دریای خزر بزرگ‌ترین حوضه آبی محصور در خشکی است. درواقع خزر یک دریاچه است که به دلیل گستردگی‌اش به‌عنوان دریا نامیده می‌شود. البته دریای خزر در گذشته زمین‌شناختی خود از طریق دریای سیاه به دریاهای آزاد وصل می‌شد. اکنون اتصال آبی دریای خزر با دریاهای آزاد از طریق دو کانال کشتیرانی از رودخانه ولگا به دریای آروف (سپس دریای سیاه) و از ولگا به دریای بالتیک برقرار است.

دریای خزر به طول حدود هزارو ۲۰۰ کیلومتر، عرض حدود ۲۰۰–۴۵۰ کیلومتر، عمق متوسط حدود ۲۰۸ متر، مساحت ۳۷۶ هزار کیلومتر مربع و حجم ۷۸ هزار کیلومتر مکعب، گسترده شده است. طول خط ساحلی دریای خزر حدود هفت هزار و ۵۰۰ کیلومتر

و حداکثر عمق آن هزارو ۲۵ متر است. حوضه آبریز دریای خزر، سرزمینی که بارندگی روی آن درنهایت به دریای خزر سرازیر می‌شود، دارای مساحتی حدود سه‌میلیون و ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع است. حوضه آبریز خزر در کشورهای ساحلی خزر شامل ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان و بخش کمی نیز در ترکیه، ارمنستان و گرجستان قرار دارد. ابعاد دریای خزر (طول، عرض، عمق، مساحت، حجم آب و طول خط ساحلی) وابسته به تراز آب است. ارقام آورده‌شده در بالا مربوط به تراز منفی ۲۸ است. در اینجا تراز آب خزر هم نسبت به تراز نقشه‌برداری در دریای بالتیک است که با ترازی که در ایران استفاده می‌شود، مقداری تفاوت دارد. نقشه‌های بستر و بسیاری از منابع بین‌المللی بر مبنای تراز بالتیک ارائه می‌شوند. از حوضه آبریز دریای خزر ۱۳۰ رودخانه به دریای خزر وارد می‌شود. رودخانه‌های پرآب خزر عبارت‌اند از ولگا، اورال، ترک، سولاک، کورا و سفیدرود. حدود ۸۰ درصد آب رودخانه‌ای ورودی به خزر تنها از طریق ولگا تأمین می‌شود.

آب‌وهوای دریای خزر متأثر از سامانه‌های جوی است که از طریق اقیانوس اطلس شمالی و دریاهای شرقی آن، اقیانوس منجمد شمالی و سیبری شکل می‌گیرد. دریای خزر توسط رشته‌کوه البرز در جنوب و رشته‌کوه قفقاز در غرب احاطه شده است که به نوبه خود باعث تغییرات منطقه‌ای در آب‌وهوا می‌شوند. میانگین بارندگی در بیشتر سواحل خزر و روی دریای خزر حدود ۲۰۰ میلی‌متر در سال است و فقط در سواحل ایران و بخش‌هایی از جنوب جمهوری آذربایجان به‌طور استثنائی دارای آب‌وهوای مرطوب با بارندگی حدود ۷۰۰ تا هزارو ۲۰۰ میلی‌متر است. وجود رشته‌کوه مرتفع البرز در کنار بدنه آبی بزرگ دریای خزر و قرارگیری در این عرض جغرافیایی سبب ایجاد دو پدیده مهم در ساحل جنوبی شده است که یکی به‌عنوان اثر دریاچه (که سبب بارش باران و برف می‌شود) و دیگری اثر فون (Foehn Effect) که سبب وزش باد گرم (گرمش) در نیمه سرد سال می‌شود.

نوسان تراز آب دریای خزر

تراز نسبی آب دریای خزر (تراز سطح آب خزر نسبت به نقطه‌ای ثابت روی ساحل در دریای بالتیک به‌عنوان نقطه صفر ارتفاعی در نقشه‌برداری برای کشورهای شوروی سابق و ساحل خلیج فارس برای ایران) در طول زمان و در بخش‌های مختلف خزر متغیر است. چونگی ارائه یک عدد به عنوان تراز آب سالانه نیز در ایران و روسیه تفاوت دارد. هنوز سیستم اندازه‌گیری و روش محاسبه واحد برای بیان تراز آب خزر توسط کشورهای ساحلی ارائه نشده است. درواقع کشورهای استقلال یافته از شوروی از یک سیستم استفاده می‌کنند و با سیستم رایج در ایران تفاوت دارد. با وجود تفاوت در دو سیستم، روند تغییرات و مقدار مطلق تغییرات تراز آب خزر بسیار به هم نزدیک است. نقشه دریای خزر بر اساس تراز دریای بالتیک تهیه شده و خط ساحلی در این نقشه ۲۸ متر پایین‌تر از نقطه صفر نقشه‌برداری ساحل بالتیک است؛ بنابراین به‌صورت منفی ۲۸ نشان داده می‌شود. یعنی اگر دریای خزر به دریاهای آزاد اتصال می‌داشت، سطح آب آن ۲۸ متر بالاتر می‌آمد. تراز آب دریاها و اقیانوس‌ها در یک زمان واحد در بخش‌های مختلف متفاوت است. بنابراین از میانگین تراز آب برای یک

حوضه آبی استفاده می‌شود. در بیان میانگین تراز آب هم عواملی را که سبب جابه‌جایی حرکت آب و تغییر تراز آب در ساحل می‌شود که به آن که سبب حرکت عمودی تراز‌سنج (مانند فرونشست زمین یا بالاآمدن زمین) می‌شوند، حذف می‌کنند.

چرا تراز آب خزر تغییر می‌کند؟

تغییرات کوتاه‌مدت تراز آب خزر بیشتر به دلیل وضعیت جوی روی دریا و طغیان بهاری ولگا ایجاد می‌شود. وزش باد شدید روی دریا باعث حرکت آب و تغییر تراز آب در ساحل می‌شود که به آن خیزاب (Surge) می‌گویند که می‌تواند حدود ۱۵ سانتی‌متر تا چهار متر تراز آب را در زمان چند ساعت تا چند روز تغییر دهد. در هنگام توفان بسیار شدید در گذشته تراز آب خزر در جنوب خزر حدود ۷۰ سانتی‌متر و در شمال خزر تا چهار متر افزایش یافت. طغیان بهاری رودخانه ولگا می‌تواند ۵۰ سانتی‌متر تراز آب را افزایش دهد که با حرکت آب از شمال به جنوب و توزیع آن، افزایش تراز آب در جنوب خزر در تابستان محسوس خواهد بود. در زمستان تقریباً همان مقدار تراز آب خزر کاهش می‌یابد. اما تغییر تراز آب سالانه در خزر به ورود آب به خزر و خروج آب از طریق تبخیر بستگی دارد. این نوع از تغییر تراز آب خزر را به‌عنوان میانگین سالانه تراز آب بیان می‌کنند. ورودی‌های مهم آب خزر عبارت‌اند از آب رودخانه‌ای و بارندگی روی دریا.

عوامل مؤثر بر مقدار آب (یا بیلان آب و دلایل نوسان بلندمدت تراز آب دریای خزر)

در صورتی‌که در یک سال آبی، مقدار آب وارد‌شده به دریای خزر با مقدار آب خارج‌شده از آن تفاوت داشته باشد، تراز آب تغییر می‌کند. اگر آب ورودی بیشتر از آب خروجی باشد، تراز افزایش و در حالی که آب خروجی بیشتر از آب ورودی باشد، تراز کاهش می‌یابد. منابع آب ورودی عبارت‌اند از رودخانه‌های ورودی به دریا، ورود آب زیرزمینی به دریا و بارش روی دریای خزر. خروج آب هم تنها از طریق تبخیر از سطح دریا و خلیج‌های متصل به آن است. از بین عوامل یادشده آبدهی رودخانه ولگا و تبخیر از سطح دریا اهمیت اساسی دارند. رودخانه‌های ورودی به خزر عمدتاً ولگا و دیگر رودخانه‌های سواحل شمالی، باختری و جنوبی (اورال، ترک، سولاک، سمور، کورا و سفیدرود) حدود ۸۰ درصد آب ورودی به دریای خزر را تأمین می‌کنند. بارش روی دریا ۱۸ درصد و آب زیرزمینی حدود دو درصد آب ورودی به خزر شامل می‌شود. سه مؤلفه اساسی بیلان آب دریای خزر یعنی آبدهی رودخانه‌ای، بارش روی دریا و تبخیر از سطح دریا توسط عوامل آب‌وهوایی منطقه و دور از منطقه تعیین می‌شود.

روند تغییر تراز آب خزر در ۱۰۰ سال گذشته

تراز آب خزر در صد سال گذشته حدود سه متر نوسان داشته است. در ابتدای قرن بیستم تراز آب بالا بود و از اواخر دهه ۳۰ میلادی شروع به کاهش کرد و این کاهش تراز آب تا اواخر دهه ۷۰ میلادی ادامه داشت که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) این روند شروع به تغییر کرد. از این سال تراز آب خزر افزایش یافت و در سال ۱۳۷۴ به اوج خودش رسید. از سال ۱۳۷۵ تراز آب خزر شروع به کاهش کرد و پس از حدود ۱۵ سال نوسان محدود، در سال ۱۳۸۹ با کاهش شدید روبه‌رو شد که تاکنون ادامه دارد. بخشی از کاهش شدید تراز آب خزر در قرن بیستم مربوط به سدسازی گسترده در حوضه آبریز خزر به‌ویژه ولگا و پرکردن اولیه سدها و مصرف آب بود، اما دلیل اصلی کاهش و افزایش تراز آب خزر اقلیمی است. افزایش تبخیر به دلیل تغییر رژیم باد و کاهش بارندگی در حوضه آبریز از دلایل اصلی کاهش تراز آب است. در هنگام تغییر دوباره رژیم باد و کاهش تبخیر به همراه افزایش بارش، سبب افزایش تراز آب شده است. در هر دو حالت کاهش و افزایش تراز آب، نقش رودخانه ولگا بسیار مهم است.

مصرف آب در حوضه آبریز خزر

ساخت سدهای متعدد بر روی رودخانه‌های بزرگ ورودی به خزر سبب افزایش مصرف آب برای کشاورزی و افزایش تبخیر سطحی از دریاچه سدها شده است. اهمیت سدهای ساخته‌شده بر روی ولگا به‌نهایی به‌مراتب بیشتری از همه دیگر سدهای ساخته‌شده بر روی رودخانه‌های ورودی به خزر است. سدهای ولگا پس از ساخت حدود ۱۸۰ کیلومتر مکعب حجم داشتند که با پرشدن با رسوب اکنون گنجایش مفید آنها به حدود ۸۰ کیلومتر مکعب کاهش یافته است. این سدها سبب کنترل طغیان بهاری رودخانه و انتقال آن به فصول دیگر می‌شوند.

مصرف آب در حوضه آبریز- اکنون حدود ۴۳ کیلومتر مکعب در سال است؛ در حالی که در سال ۱۳۶۹ (در زمان شوروی) به ۵۵ کیلومتر مکعب در سال رسیده بود. پس از فروپاشی شوروی، تفاوت اساسی در مصرف آب در رودخانه‌های ورودی به خزر ایجاد شده است. در حوضه ولگا مصرف آب کاهش یافته؛ در حالی که در جنوب خزر ساخت سد و نصب تجهیزات مصرف آب به شدت افزایش یافته است. به طوری که اکنون مصرف آب در رودخانه‌های ورودی به خزر جنوبی حدود ۲۰ کیلومتر مکعب در سال و مصرف آب در ولگا حدود ۱۸ کیلومتر مکعب در سال است.

تفاوت دیگر در مصرف آب رودخانه‌ای در شمال خزر با جنوب خزر در سهم مصرف آب رودخانه از کل آبدهی آن و توزیع آن در طی



سال است. این مورد بیشتر اهمیت زیست‌محیطی دارد به طوری که مصرف آب نباید به گونه‌ای باشد که مانع از پایداری زیست‌محیطی رودخانه و اتصال آن به دریا یا تالاب شود. در ولگا مصرف ۱۸ کیلومتر مکعب آب در سال در کم‌آب‌ترین سال در چهار دهه اخیر (۱۳۹۴)، تنها ۹ درصد آبدهی رودخانه و در پرآب‌ترین سال این دوره (۱۳۹۵)، حدود هفت درصد آبدهی ولگا را شامل می‌شود. اما در رودخانه‌های ورودی به خزر جنوبی مصرف آب به گونه‌ای است که در برخی موارد سبب خشک‌شدن کامل رودخانه می‌شود و در مواردی دیگر رودخانه‌ها ارتباط اکولوژیک کافی با دریا ندارند.

آیا دریای خزر خشک خواهد شد؟

مجموع مصرف آب در حوضه آبریز دریای خزر در دوره‌های مختلف در چند دهه اخیر بین ۴۳ تا ۵۵ کیلومتر مکعب در سال تغییر کرده که حدود ۱۴ تا ۱۷ درصد آبدهی کل رودخانه‌ای به دریای خزر است. حجم آب خزر ۷۸ هزار کیلومتر مکعب است و حجم آب مصرف‌شده در سال نسبت به حجم آب خزر حدود ۰/۷… (هفت دهم‌هزارم) است. بنابراین خشک‌شدن دریای خزر با مصرف آب آن در حوضه آبریز یا برداشت آب از ساحل (که اکنون بسیار ناچیز است) موضوعیت ندارد. مقایسه خشک‌شدن دریاچه ارومیه و دریاچه آرال با کاهش تراز آب دریای خزر نیز مقایسه مناسبی نیست. مقایسه حجم آب دریای خزر با حجم آب ورودی سالانه به خزر و حجم آب مصرفی نشان می‌دهد که کاهش تراز آب خزر در سال‌های اخیر متأثر از افزایش مصرف آب نیست.

اثر مستقیم فعالیت‌های انسانی بر تراز آب خزر چقدر است؟

اثر دخالت‌های مستقیم عوامل انسانی بر بیلان آبی خزر باعث شده است که بنا بر برخی تخمین‌ها، تراز آب یک متر کمتر از زمانی باشد که اثر عوامل انسانی ناچیز بود. به این معنی که اگر اکنون در حوضه آبریز خزر مصرف آب مشابه مصرف آن در حدود ۷۰ سال پیش شود، بنا بر برخی تخمین‌ها تراز آب خزر پس از چند دهه اثر جمعی عدم مصرف آب، یک متر بالاتر می‌آید. توجه داشته باشیم که مصرف آب در حوضه آبریز خزر در چند دهه گذشته چه هنگام افزایش تراز آب در سال‌های دهه ۱۳۷۰ خورشیدی و چه در سال‌های کاهش تراز آب در دهه ۱۳۹۰ خورشیدی وجود داشته است. فرض کنیم در اوج افزایش تراز آب در سال ۱۳۷۴ که در برخی مناطق به کنار شهرها رسیده بود، اگر تراز آب یک متر نیز بیشتر می‌بود، احتمالاً با تخلیه آن شهرها روبه‌رو می‌شدیم.

اثر غیرمستقیم فعالیت‌های انسانی (تغییر اقلیم و گرمایش جهانی) بر تراز آب خزر چگونه است؟

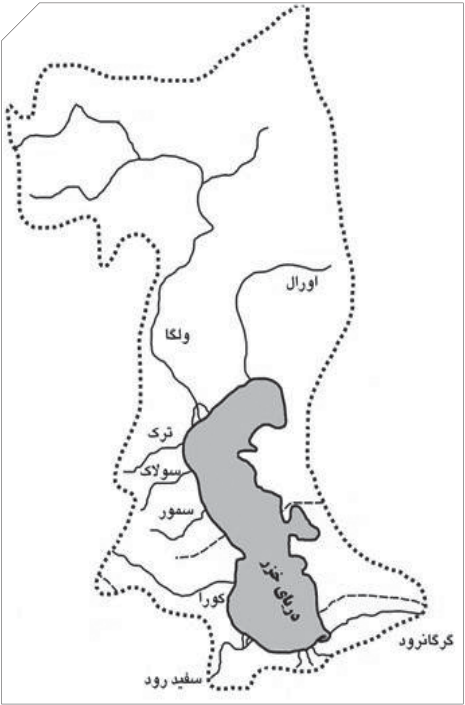
در چند دهه اخیر دمای آب سطحی خزر و دمای هوا افزایش یافته است که سبب افزایش تبخیر شده‌اند. افزایش دمای هوا به‌خصوص در حوضه آبریز خزر در شرق، غرب و جنوب دریا نیز محسوس است. پدیده‌ای که در حوضه خزر از سال ۱۳۷۵ روی داد، تغییر رژیم باد بود. افزایش فراوانی بادهای به موازات مدار سبب انتقال بیشتر رطوبت به خارج از خزر شده و کاهش بیشتر تراز آب خزر را به همراه داشته است. بخش عمده رطوبتی که وارد حوضه آبریز خزر می‌شود از منشأ اقیانوس اطلس شمالی و دریاهای شرقی آن (به‌ویژه مدیترانه و دریای سیاه) است. با افزایش گرمایش جهانی در صورتی که اثرات تغییر اقلیم در اقیانوس اطلس شمالی باعث ضعیف‌شدن شدید جریان کل استریم شود، آنگاه بارش در حوضه خزر کاهش یافته و اثرات آن نیز به صورت کاهش بیشتر تراز آب نمایان خواهد شد.

آیا می‌توان تراز آب خزر را پیش‌بینی کرد؟

اکنون پیش‌بینی سالانه تراز آب خزر با دقت مناسبی انجام می‌شود که عمدتاً مبتنی بر شرایط جوی و آب‌شناسی حوضه ولگااست. اما پیش‌بینی‌های بلندمدت تراز آب خزر دارای عدم قطعیت بالایی است. تاکنون این پیش‌بینی‌ها با آنچه در عمل رخ داده فاصله زیادی داشته است. پیش‌بینی بلندمدت تراز آب خزر شبیه پیش‌بینی‌های اقلیمی است که حدود آن پدیده را بیان می‌کند و ارائه عدد مشخص در سال معین کار دشواری است. با این وجود با پیشرفت‌های کنونی می‌توان دقت مدل‌ها را بهتر کرد و آن نیز نیازمند برطرف‌کردن ضعف‌های مدل‌های قبلی است. برای این کار لازم است با دقت بیشتر و حجم داده‌های گسترده‌تر و داشتن مرکز محاسباتی بسیار قوی مدل‌ها را اجرا کرد که در کشورهای ساحلی خزر هنوز به آن پرداخته نمی‌شود.

اثر زیست‌محیطی کاهش تراز آب خزر چیست؟

کاهش تراز آب خزر هم بر محیط زیست ساحلی و هم بر محیط



• حوضه آبریز دریای خزر در نمای ماهواره‌ای

زیست دریایی تأثیر می‌گذارد. پایین‌رفتن تراز آب خزر باعث کاهش عمق و کاهش مساحت تالاب‌ها و در مواردی خشک‌شدن کامل تالاب (تالاب ساحلی گمشدن در استان گلستان) می‌شود. کاهش عمق تالاب و کاهش تبادل آب دریا با تالاب نیز تغییرات فیزیکی- شیمیایی در آب تالاب ایجاد می‌کند. این موارد شرایط زیستی را برای بسیاری از آبزیان و پرندگان مهاجر محدود می‌کند. در مجموع کاهش تراز آب خزر باعث کاهش خدمات اکوسیستمی تالاب‌ها می‌شود.

با توجه به تجربه کاهش تراز آب در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۵۰ باید اثر کاهش تراز آب بر محیط زیست دریایی مثبت باشد؛ چون کاهش تراز آب باعث افزایش سرعت چرخه آب خزر در عمق و افزایش سرعت چرخه مواد محلول (ازجمله اکسیژن) می‌شود. اما کاهش تراز آب خزر در دو دهه اخیر با افزایش دمای هوا و افزایش دمای آب همراه شده است. در این شرایط علی‌رغم کاهش تراز آب، افزایش سرعت چرخه آب در عمق دیده نمی‌شود. بنابراین اکسیژن در بخش‌های عمیق خزر در فرایند تجزیه مصرف شده و شرایط کم‌اکسیژنی حاکم شده است. در این حالت مقدار سولفید هیدروژن در بخش‌های عمیق افزایش یافته است. این پدیده در صورت تداوم اثرات زیان‌باری بر محیط زیست دریایی خواهد گذاشت.

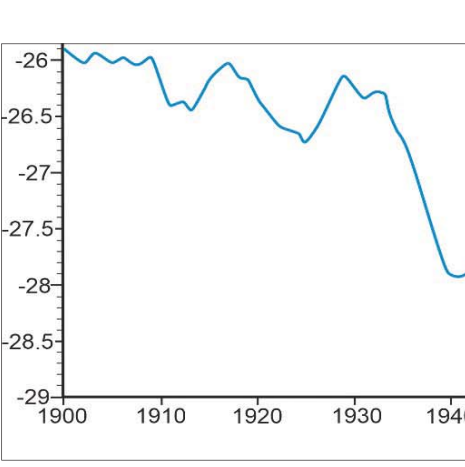
مطالعات خزر و جنبه‌های ناشناخته آن

در ۱۵۰ سال گذشته مطالعات گسترده‌ای درباره حوضه خزر انجام شده است. بسیاری از ابعاد ویژگی‌های زمین‌شناختی، فیزیکی، شیمیایی و زیستی آن و ویژگی‌های آب‌شناختی حوضه آبریز خزر با دقت مناسبی معرفی شده است. این مطالعات خزر می‌دهند و تسهیلاتی از خزر ارائه می‌کند به طوری که می‌تواند برای تصمیم‌گیری و اجرای اقداماتی که به بهبود محیط زیست خزر منجر شود، استفاده شود. هنوز پریش‌های زیادی درباره خزر وجود دارد که پاسخ دقیق به آنها نمی‌توان داد، اما می‌دانیم چه مطالعاتی باید انجام شود که به آنها پاسخ داده شود. پاسخ به این پرسش‌ها به میزان اولیوتی که کشور‌های ساحلی به مطالعات خزر می‌دهند و تسهیلاتی (منابع مالی، نیروی متخصص و هماهنگی‌های منطقه‌ای دریای خزر) که برای این مطالعات فراهم می‌کنند، وابسته است. ممکن است موضوعی در مورد خزر برای بخشی از جامعه بهره‌بردار آن مهم باشد، ولی به معنی ابهام این موضوع در جامعه علمی که در تراز بین‌المللی کار می‌کنند نیست. ازاین‌رو استفاده از منابع علمی مستند و داوروی بسیاری از ابهام‌ها را روشن می‌کند.

چه باید کرد؟

تراز آب دریای خزر در گذشته دور بارها پیشروی و پسروی داشته و مقدر آن را به مراتب بیشتری از تغییرات تراز آب در صد سال اخیر بوده است. در گذشته تراز آب خزر آن قدر پایین‌تر بود که خزر شمالی و همه خلیج‌ها و تالاب‌های خزر خشک شده بودند. اما زیست‌بوم خزر در گذشته با این تغییرات سازگار شد و از بین نرفت. اکنون نیز نوسان تراز آب خزر پدیده‌ای غیرادی نیست و کاهش بیشتر در سده جاری نیز محتمل است. مصرف آب در حوضه آبریز خزر نقش اصلی در کاهش تراز آب خزر ندارد و مصرف آب با مفادیر کنونی باعث خشک‌شدن دریا نمی‌شود. بنا بر این تغییرات تراز آب دریا به خودی خود گران‌کننده نیست. آنچه موجب نگرانی است تغییراتی است که انسان همراه مصرف آب ایجاد کرده و اکنون با شدت بیشتر به‌ویژه در حوضه خزر جنوبی در حال گسترش است. با روند کنونی فعالیت‌های انسانی در سطح جهان کاهش شدید در مصرف سوخت‌های فسیلی در سال‌های آینده احتمالاً رخ نخواهد داد، بنابراین پدیده گرمایش با شدت بیشتری تداوم خواهد یافت. در چنین شرایطی سازگاری با شرایط جدید اهمیت بالایی دارد. کاهش تراز آب باعث فشار به محیط زیست تالاب‌های ساحلی خزر می‌شود. این فشار زیست‌محیطی با کاهش عمق، کاهش مساحت، خشک‌شدن و تغییر دیگر شرایط فیزیکی-شیمیایی محیط تالابی دیده می‌شود. کاهش آبدهی رودخانه‌ای به تالاب‌های ساحلی، افزایش ورود رسوب و مواد مغذی به تالاب‌ها و شکار و صید بی‌رویه در تالاب‌ها و حتی حضور فیزیکی زیاد انسان در تالاب‌ها از موارد اصلی فشار عوامل انسانی است. هنگامی که فشار عوامل طبیعی بر محیط زیست زیاد است، ضروری است که فشار عوامل انسانی بر این محیط‌ها کاهش یابد.

•استاد پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی، عضو شورای علمی کرسی یونسکو در مخاطرات زمین‌شناختی سواحل



ادامه از صفحه اول

بای کاذب قدرت

البته این بخش از نگاه فوکو به قدرت، خالی از انتقاد نیست که منتقدان به آن پرداخته‌اند؛ اما می‌توان گفت: «خطر سلطه بر دیگران و اعمال قدرتی مستبدانه بر آنها فقط وقتی پیش می‌آید که فرد مراقب خویش نبوده و برده امیالش شده باشد». جوامع غیردموکراتیک از این تعبیر فوکو ادراک عمیقی دارند؛ نه از آن نظر که آن را به کار می‌بندند، بلکه برعکس از آن جنبه که با علم به این موضوع آن را رعایت نمی‌کنند. دولت و زیرسیستم‌های آن هم مانند آمیبهایی در حال حرکتند و شیوه آنان اراده معطوف به قدرت است. نهادهای موازی که هر یک کار مشترکی را به دو شیوه متفاوت انجام می‌دهند، اما این میل به قدرت نتوانسته است سلطه را مطلق کند؛ چراکه میل به قدرت افزایش می‌شد و مقاومت را نیز در پی دارد؛ مگر اینکه میل به خشونت عریان همراهی باشد. بدیهی است که دست‌یازیدن به خشونت برای کنترل زیرسیستم‌های قدرت و جامعه به معنی قدرت نیست، بلکه مترادف خلا قدرت است یا در واقع ترویج نوعی ناقدرت. در سیستم‌های رضاشاهی این ناقدرت به شیوه‌ای تاریخی در اذهان مردم ثبت شده است. خشونت رضاشاهی سیستم‌های دولت و جامعه را از کار انداخت و در دوره پهلوی دوم ما با کاریکاتوری از این اعمال خشونت عریان روبه‌رو بودیم. بگذریم. از اینجا به سمت تئوری سیستم‌های اجتماعی لومان بخوایم رفت. نیکلاس لومان، سیستم‌های اجتماعی را به زیرسیستم‌های حقوق، دین، سیاست، اقتصاد و دانش تقسیم می‌کند و برای هر یک از این زیرسیستم‌ها کارکردی را در نظر می‌گیرد. زیرسیستم سیاست، کارش توزیع قدرت، تخصیص منابع و اداره جامعه است که نماد این سیستم اطاعت است. زیرسیستم اقتصاد، آسیب‌شناسی اقتصاد، متنفع‌کردن احاد مردم از منابع و ثروت‌ها را در دست‌ور کار دارد که نماد آن سود است و نماد سیستم دانش، حقیقت است و… در واقع برای درک یک سیستم بهتر است بدانیم یک سیستم چیست. یک گونی سپی‌زمینی ناسیستم است؛ چراکه هیچ ارتباط ارگانیکی یعنی هماهنگی و تبعیت بین سپی‌زمینی‌های موجود در یک گونی وجود ندارد و قدرتی که به این سپی‌زمینی‌ها اعمال می‌شود، مقاومت چندانی برنمی‌انگیزد.

برای همین است که دولت‌ها درصددند با سیستم‌های اجتماعی و آدم‌های آن مقابله کنند و نگذارند آنان به اجماع دست پیدا کنند. حتی در سیستم‌های دولتی به دلیل کارکردی مشابه، اجزا با یکدیگر هماهنگی، نسبت و تبعیت دارند؛ اما تلاش می‌شود این نسبت‌ها برای مقاومت در برابر یک فشار بیرونی به اجماع دست پیدا نکنند. در نتیجه انسان با سیستم‌هایی روبه‌رو است که باید از ویژگی‌های یک سیستم بیروی کنند؛ اما به دلیل فشارهای بیرونی کارکرد سیستمی خود را که همانا هماهنگی و تبعیت است، از دست داده و به یک ناسیستم تقلیل پیدا کنند. فراموش نکنیم این سیستم‌هایی که از آنها نام بریم، زیرسیستم‌های اجتماعی هستند؛ یعنی ناکارآمدی آنها مستقیماً به جامعه برمی‌گردد و به ایجاد آشوب دامن می‌زند. آنچه به ناکارآمدی از آن نام می‌بریم، الزاما ناکارآمدی نیست، بلکه ایجاد یک ناکارآمدی و اخلاک آگاهانه در سیستم است. برای مقاومت‌زدایی از سیستم‌های اجتماعی در برابر قدرت، ازاین‌رو است که در بهمت و حیرت همگانی از ناکارآمدی سیستم‌ها، باز آنها در حال کارند. در حین ناسامانی انگار همه چیز سامان است. در این محیط آمیبه‌ها قادرند بای کاذب خود را دراز کنند و از منابع ثروت و قدرت سود ببرند که الزاماً محدود به موقعیت آنان نیست. اگرچه در این وضعیت مقاومت منسجمی در برابر اعمال قدرت به سیستم‌های اجتماعی وجود ندارد یا این مقاومت به دشواری شکل می‌گیرد؛ اما تصور اینکه این سیستم‌ها با هر رخداد پیش‌بینی‌نشده‌ای از هم فروپاشد، دور از انتظار نیست.

آیا این وضعیت پایدار نیست؟

در این میان اما مشاهده رفتار گروه‌های سیاسی بیرون‌شده از حاکمیت جالب‌تر است. این گروه‌ها دچار یک نوع سردرگمی مزمن شده‌اند. از یک طرف با وجودی که نتیجه عدم حضور در دو انتخابات پیشین و تسلیم بی‌قیدوشرط به پروژه خالص‌سازی رای‌دهندگان و رای‌گیرندگان را دیده و مصیبت وارده به زندگی مردم را در این دو سال شاهد بوده‌اند، همچنان معتقدند این خود آنها بوده‌اند که از انتخابات کناره‌گیری کرده‌اند و نه به دلیل افتادن در پروژه خالص‌سازی رای‌دهندگان. برخی دیگر هم بر این باورند که اگر قرار است اتفاقی رخ دهد باید منتظر ماند تا صاحبان پروژه یک‌دست‌سازی به این نتیجه برسند که از راهی که رفته‌اند و رسیدن به نتیجه مطلوب پیشیمان شوند و هر آنچه را می‌خواسته‌اند و بالاخره به دست آورده‌اند کناری بگذارند و از راه رفته برگردند؛ یعنی برای بیرون‌رفت از وضعیت حاضر که جامعه را در زیر چرخ‌های این قطار له می‌کند، نه‌تنها راه‌حلی که به تلاش خودشان بستگی داشته باشند ندارند، بلکه انتظار دارند آنان که همین وضعیت فعلی کشور را مطلوب می‌دانند، به حرف ایشان گوش کنند و مدام با تکرار این هشدار که این وضع پایدار نیست، آنها را تشویق به بازگشت می‌کنند. اما آیا واقعا این وضعیت پایدار نیست؟ به نظر نمی‌رسد که صاحبان قدرت چنین سختی را باور داشته باشند.

حجاب و عفاف و مثلث قالیباف–غضنفرآبادی–مجبی

در پی اقدامات یادشده، دیداری بین برخی افراد با رئیس مجلس انجام شد که باعث شد لایحهٔ ۹ماده‌ای قوه قضائیه و قوه مجریه که در کمیسیون فرهنگی نهایی شده بود، به‌صورت کامل کنار گذاشته شود و یکباره رئیس کمیسیون قضائی مجلس (آقای غضنفرآبادی) اعلام کرد که متنی از سوی مرکز پژوهش‌ها با محوریت آقای جلیل محبی تهیه شده است و کمیسیون این متن ۷۰ماده‌ای را بررسی خواهد کرد؛ این امر با چراغ سبز آقای قالیباف همراه بود. در این متن درباره تمام افرادی که هر نوع عدم رعایت پوششی دارند، با عباراتی مبهم مجازات‌ها به شکل وحشتناکی افزایش یافته بود؛ چراکه این نوشته بر این تئوروی خام مبتنی بود که اگر هزاران نفر را نقره‌داغ کنیم، همه ماست‌ها را کیسه خواهند کرد و کسی جرئت نخواهد کرد حجاب را رعایت نکند. سال‌های سال است که تحقیقات گسترده در جرم‌شناسی این واقعیت را به اثبات رسانده که مجازات شدید کارایی ندارد؛ به‌ویژه درباره موضوعی که درصد شایان توجهی از جامعه با آن تضادی ایجاد نمی‌کنند. در این مصوبه دیگر خبری از اقدامات پلکانی نیست و اقناع جامعه اساسا هیچ اهمیتی ندارد. بلکه زور و اقتدار ساری و جاری است؛ زور داریم پس مجازات می‌کنیم. این رویکرد روح حاکم بر شاهکاری است که مثلث قالیباف-غضنفرآبادی-مجبی تولید کرده است. نوشته مجازات‌گرا و غیرمنطقی مرکز پژوهش‌ها در کمیسیون مورد اعتراض و اشکال آیین‌نامه‌ای قرار گرفت اما بالاخره آن متن را قبول‌اندند و با تلاش دو قوه دیگر کاملاً خداحفاظتی شد. تنها مواد اولیه این نوشته در صحن کمیسیون قضائی ماده به ماده و با دقت بررسی شد، اما بقیه (بیش از ۶۰ ماده دیگر) در دو روز به‌صورت سریع بررسی و به عبارت دقیق‌تر سرهم‌بندی شد. در جلسه‌ای خارج از کمیسیون با محوریت برخی معاونان آقای قالیباف و آقایان غضنفرآبادی و مجبی و معاون حقوقی قوه قضائیه آن مصوبه نهایی شد که البته باز همان مثلث، محور اصلی است و یک عضو از طرف قوه قضائیه بدون حضور کارشناسان معاونت حقوقی قوه قضائیه نتوانست روح حاکم را تغییر و اصلاحات عمده‌ای را ایجاد کند. این متن به کمیسیون برگردانده شد و اعضای کمیسیون را قانع کردند که همین متن به صحن مجلس ارسال شود و چنین شد. پیش‌فرض‌های باطل این نوشته و ابتناء آن بر زور و مجازات است.